

رؤیا

ترجمه عبدالغفور خان معتمد

قبل از این رای علماء در باب رو یا چنین بود که شایسته نیست يك دانشمند محقق راجع بان توجه جدیدانه خود را مصروف سازد چه بعقیده ایشان رو یا از اضطراباتی نشئت می پذیرد که دماغ انسان در اثنای خواب بآن دچار میشود پس از این تفسیر و تعبیر آن از حیث پسیکو لوژی اساس دیگری نداشت و پرداختن بان نوعی از کلمات بشمار آمده بود اما پس از آنکه سیکموند فروید کتاب (تفسیر الاحلام) خود را در ۱۹۰۰ میلادی انتشار داد تتبع و تدقیق در زمینه رو یا نه تنها از اهم ترین مباحث پسیکو لوژی قرار یافت بلکه جزئی از علم النفس گردیده در معالجه اضطرابات عصبی فوائد زیادی ازان گرفته شد. برای اینکه نظریه فروید را بدون مراجعت با اصطلاحات علمی برای قارئین خویش تحت مطالعه بگذاریم و بمشکلات پیچیدگی و اغلاق اصطلاحات ایشان را دچار نسازیم صورت وصفی را که رای فروید راجع بعقل باطن و کیفیت وقوع رو یا در اثنای خواب از ان بخوبی آشکار میگردد از قلم پر و فیبر «جود» یا «گود» رئیس فاکولته فلسفه و پسیکو لوژی بو نیورستی لندن در اینجا نقل مینمائیم :-

عقل را (از نقطه نظر فروید) بيك عمارت دو منزله (دو پوشه) تشبیه نموده میتوانیم که یکی از ان دو طبقه در زیر زمین و دیگری بالای آن قرار یافته است یا بعبارت واضح تر و بسیط عمارت مذکور مرکب از طبقه تحتانی و فوقانی است که در آنها دو عائله یکی عائله بلند و معزز و دیگری عائله پست و

وضع سکونت دارد. عائله عالی و معزز در طبقه علیا و خانواده پست در طبقه سفلی که زیر زمین وقوع دارد سکنی گرفته .

افراد عائله عالی کم ، اشخاص برجسته و محترم است و همیشه هوش میدارند که در مسکن ایشان کسی داخل نشود و خیلی احساس حظ و لذت مینمایند که در برابر همسایگان خود با بهترین حال و وضعیت عرض اندام نمایند .

افراد خانواده پست ، ز باد و بحال طبیعی بوده هیچ تهذیب و تربیت ندیده اند از کثرت غوغا و شدت حرص و عدم توجه بکرامت و فضیلت رسوا و بیوقار گردیده اند خواهشات کوناگون و زبادی که در خاطر ایشان جا گیر شده برای تحقق و بدست آوردن آن به شعور و طبیعت دیگران مبالانی نکرده خواهی نخواهی جرای آنرا اصرار زیاد مینمایند. خلاصه افراد این عائله متصف هیچ یکی از فضائل نبوده تنها جهدمیوزند که سوبه حیاتی خود را بلند برده در هیئت اجتماعی مرکز بلندتری را اشغال نمایند و برای حصول این مدعا چون کوه آتشفشان همیشه مشتعل ماند . هیچ اظهار تعجب و ملال نمی نمایند .

چگونه افراد عائله عالی اجازه نخواهد داد که ساکنین طبقه تحتانی در حالیکه فرق فیما بین هر دو خیلی ها زیاد است بنزد ایشان صعود نمایند . و آیا جائز است که یکعدد فضایی مهذب با جمعی از او باش و پست فطرتان معاشرت و آمیزش نماید .

از همین سبب است که عائله عالی از افراد پولیس شخصی را استخدام نموده و مکلف ساخته است که بر سر زینه هائیکه هر دو طبقه تحتانی و فوقانی را بهم مربوط میسازد موقع گرفته شب و روز در و ظیفه خود مشغول باشد و در طرد و دفع افراد عائله پست که می خواهند برای داخل شدن در منزل فوقانی

از زیننه بالا آیند شب تاروز و روز تاشب ، بیدار بوده شفقت او را مانع وضعف و سهل انگاری دانمگیر نگردد .

پولیس بیچاره با افراد او باش و هر زه عائله پست در نزاع وجدال دائمی افتاده و مکلف است که روز و شب را دائما بمراقبت و پیاسبانی بسر آرد و این خود امری است که مقتدر ترین مخلوقات هم از ایفای آن عاجز میباشد پس نتیجه این نزاع دائم بچه امری خواهد انجامید ، البته نتیجه یکی ازین سه صورت خواهد بودند اولاً باینکه افراد عائله پست دائم در محبس تنگ و تاریک خود مانده طبیعت ایشان خراب و نفوس آنها خبیثت آلود گردیده و بعضی هم چون آبیکه در بحر ای خود بمالعی بر خورده را کد بایستد و باراضی جو از طغیان نموده در روی زمین پهن شود ، تعفن پذیر دردی و غیر قابل استفاده گردیده برخی در اثر انتشار سموم خویش بوجود سائر افراد نشاط و زندگی ایشان را تا یک اندازه مختل و مؤثر نماید .

ثانیاً : بعضی از افراد عائله پست و فرود میاید بر عکس ممانعات و ایستادگی پولیس بدخول منزل بالائی موفق میشود ولی قبلاً بایستی مذهب و محترم شده باشد یا بعبارت دیگر بابد از حدت طبع و شدت اوضاع خویش کاسته فساد قدیم را از وجود خود بر طرف سازد . حقیقاً هم در اخلاق بعضی از ایشان انقلاب مهمی رو داده با شخصیت قدیم خویش وجوه مشابهه را ارائه نمی نمایند .

ثالثاً : یکی از افراد عائله منحط و پست از نزد پولیس گریخته بدون هیچ تغییر بهمان حال و اوضاع ناهنجار خویش داخل منزل بالا میشود و این امر در موقعی صورت میگیرد که پولیس از ادای وظیفه خود غفلت ورزد یا بخواب مشغول شود . اکنون طبقه بالائی عبارت از عقل خارجی است که روز بیدار و شب بخواب میباشد .

وسا کنین آن ملکات و افکار را که حافظه انسانی شامل آنست نمائش میدهد. طبقه نانی با منزل بالائی عقل باطن است که ما وجود آنرا احساس نموده نمیتوانیم و سا کنین آن غرایز متعدده و خواهشات محبوس مارا که بحقیقت نه پیوسته و باقناع آن راهی نیست نمائش میدهد. پولیس عبارت است از رقیب censor که بعقیده فروید در بین عقل خارجی و عقل باطن قیام دارد و هر گاه بجلو گیری غرائز و خواهشات موفق آید این امر بفساد آن نتیجه داده به تسمم آن منجر میشود تا اثرات ناپسند خود را بسایر غرائز و رغبات نیز میرساند و این حال (مرض عصبی) نامیده میشود. و در صورتیکه خواهش باغریزه بعد از حصول تهذیب و صفا از نزد پولیس (Censor) راه یابد اینحال را (استعلا) گویند. و در حالیکه خواهشات بحال طبیعی خویش قرار ور زبده بمنزل بالائی رسید و پولیس بخواب رفته باشد بن حال حلم یا رویاء نامیده میشود پس در حال رو باخواهشات و رغبت های خود را بصورت غیر مالوف مشاهده مینمائیم. امر قابل تعجب و شگفت آمیز این است که در موقع تذکر رویاء پولیس که موظف بایفای او و طبقه خود دو باره قیام میورزد و نمبخواهد که رویاء بر ای عقل داخل چون انمای خواب ظاهر و جلوه گر شود اعراض بر نظریه فر وید.

این است صورت بسیار ساده و بسیط عقل باطن و تفسیر رویاء با اساس آن اکنون باید دید که رأی علما درین موضوع چگونه است:

جمعی از دانشمندان نظریه فروید را تنها فرضی اعتبار نموده ولی نظریه او نزد اکثر علمای پسیکولوژی طرف قبول واقع نگردیده است. یکی از مهم ترین اسبابیکه به تردید نظریه فروید وسیله میگردد همین است که او گمان میبرد: محتویات عقل خارجی در اصل از محتویات عقل باطن بوده سپس طوریکه سابق بیان کرد دید اعتلا

جسته است بدینوجه ضمیر انسانی را عبارت از میل و رغبتی می‌شناسد که سپس رفعت و ارتقا جسته باشد حال آنکه درینصورت اساس مسئولیت ادبی که ستون اصلی و عمده اخلاق انسانی است منهدم و تباه میگردد .

از طرف دیگر اگر صحت ادعای وجود عقل باطن در مثالی که فروید آنرا فرض مینماید ثابت شود آنوقت ممکن نیست که تنها عقل باطن منشاء رویاء شده بتواند . طوریکه محقق و ثابت است عده زیادی از علماء و دانشمندان در حال خواب بحدل چنان مشکلات و مسائل عمیق موفق گردیده‌اند که در بیداری از حیطه اقتدار ایشان خارج بوده است . در آنجمله یکی فیلسوف مشهور فرانسه (دیکارت) است که سه خواب دیبده قواعد اساسیه فلسفه خویش را در آن بدست آورده .

هائری پوانکاریه ریاضی دان فرانسه بحد مشکلات زیادی در خواب موفق گردید همچنین (کوند ورسبه) و غیره که دانشمندان و علمای کثیر دست نیز همین حال را داشته‌اند . پس چگونه میشود که عقل باطن بحدل آنچه عقل خارجی از عهده آن برآمده نتوانسته است موفق گردد .

مسئله تنها بهمین حدود محصور نمانده و بعضی اشخاص خواب های زیادی دیده و بعد از مدت طولانی بهمین کیف صورت اجرا و عمل بهمیان آمده است که از آنجمله در زمره مشاهیر تاریخ ناپلیون و اسکندر مقدونی قرار یافته و رویای انبیا و اولیای عظام و برخی از ذوات روحانی نیز در همین قطار محسوب میشود پس خوابهایی را که در عالم بیداری بطور مشاهده واقع میگردد چگونه تعلیل باید کرد و رویت مستقبل را در اثمای خواب بچه و جهی تفسیر و از نقطه نظر فن چگونه ملاحظه باید نمود .

الهام و رویاء

در اینجا دو نظریه خیلی مهم وجود دارد که اگر بآن تسلیم نهائیم تعبیر و تعلیل مسئله رویا برای ما امر ممکن و میسر میگردد نظر به اول میگوید. نفس بشری شامل ملکه مخصوصی است که بصیرت Intuition نام دارد و بصیرت بدرک آنچه از عهده ادراک آن عقل انسانی عاجز است قادر میباشد بصیرت مذکور مهبط الهاماتی است که اغلب شعراء و رجال فن از آن حرف میرانند و همین بصیرت است که کتب سماوی از آن بحث بمیان میآورد؛ پهلوان میدان تقدیم نظریه بصیرت همانا بر جسون فیلسوف است و اکثر علما نیز بآن تسلیم نموده اند.

نظریه ثانوی میگوید. ماضی و حاضر و مستقبل اشیا ازلی و باقی است ماضی موجود است نرفته و مستقبل نیز وجود دارد. مسئله متعلق فهم وجود و عدم تنها متوقف بما نیست چه وجودیکه ما آنرا تصور مینمائیم عبارت از وجود حقیقی بوده تنها وجودی است که آنرا احساس مینمائیم و در اذهان ماتمیثل مینماید. پس بدینوجه حواس در تصورات ذهنی ما فاعل خلیت زیادی دارد پرو فیسر «دی سبتر» ریاضی دان مشهور که بنا بر انتقادات او اینشتین نظریات خویش را تعدیل نمود میگوید :-

صادق ترین مردمان راجع بمسئله فکر وجود اشخاص ریاضی دان است و بس. چه این طبقه وجود را از خلال رموزات و معادلات لایتغیر مشاهده مینمایند نه از پرتو حواس.

مرگام این دو نظریه که در فوق را جمع بآن تشریحات اجالی بعمل آمد، تسلیم نهائیم تعلیل خوابهایی را که ذریعه آن انسان حوادث مستقبل را قبل از وقوع مشاهده مینماید برای ما ممکن میگردد. بر علاوه وجهه آرای جدید در بین علمای تفه و دانشمندان

معتمد نیز بهمین طور بوده و حق نداریم بنام بعید الاحتمال بودن آنرا تردید
چه برعکس حصه مهم از آنچه ما خود قبول و تسلیم نموده ایم بعید الاحتمال و مست
ظاهر میگردد.

مثلاً اکثریة مردمان با انتقال افکار تسلیم دارند و هر گاه، راجع بآن
و ایراد دلائل بعمل آید آنکسی از قبول امکان آن استبعاد و انکار خواهیم
تجارب حیات روز مره مانیز بوجود الهام و بصیرت دلالت مینماید و کدام ش
خواهد بود که چندین بار در طول حیات خویش ملهم نگریده باشد باری در
او فکر عجیبی که هیچ بخاطرش خطور نمینمود نشأت مینماید. و تماهاً صو
و مطابق بحقیقت ظاهر میشود بعضی دارای بصیرت نافذه گردیده مستقبل را ملا
مینماید و راجع بامور محتمل الوقوع پیش گوئی مینماید و بالفعل صورت پیش
او بوقوع میرسد.

آیا ازین دو کدام یکی با احتمال و امکان قریب تر است؟ تعلیل فروید راجع به رو
دیگارت که آنرا از صنع عقل باطن شهر ده و عقل باطن را از عقل خارجی در ادراک ضعیف
و دارای کفایت کمتر می شمارد. یا تفسیر رویای مذکور بدینطور که الهامی بو
و ذریعه بصیرت در حال خواب دیگارت آنرا مشاهده کرده است؟ در صورت
بوجود بصیرت و الهام تسلیم نمودن ممکن میباشد تفسیر مسئله رویاء در زمان موجود
تماهاً بر اساس نظر به فروید قرار نیافته و وجه افکار دانشمندان امروز
قریب است بوجود بصیرتی که مهبط وحی و الهام دانسته میشود تسلیم نمایند.
و حی مخصوص انبیاء عظام بوده و الهام متعلق به اشخاص روحانی و پاک نفس
و نایفه ها دانسته میشود.



شبه درایت و فعالیت والا حضرت ۱۰۱ . نشان سردار شاه ولیخان غازی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اقوال علمای عرب

ادعائینمائیم علمای عرب که تعلیل مسئله رویاء را مورد مذاقه خویش قرار داده اند تحت تاثیر افکار یونانیها و یهودیها و مسیحیانی ما قبل خویش نیامده باشند این مسئله را میگذاریم چه واقعا موضوع دیگری را تشکیل میدهد محض درینجا آرای جمعی از ایشان را که از ملاحظه گذشته است با وجهه نظریات امروزی مقایسه نموده و نتایجی از آن بدست آورده ایم که امید است بخطا نباشد.

محمد بن سیرین و عبد الغنی نابلسی وقوع رویا را بدو عنصر اساسی ارجاع مینمایند اولاً عنصریکه از نفس بخارج واقع است ثانیاً عنصریکه در طبیعت نفس وجود دارد هر گاه کسی در خواب ببیند که او را بصیافتی دعوت داده اند مصدر و منشا این رویا خود نفس است شخصیکه در چار کابوس گردد خوابهای پریشان می بیند. مریض متالمی که بخوابد و در خواب ببیند که او را تعذیب میکنند شخصی که در آفتاب بخوابد بخواب ببیند که در آتش نشو خننده میشود همه از همین قبیل است.

رتال جامع علوم انسانی
برعکس بعضی خوابهای دیگر است که منشا آن از خود نفس میباشد و انواع چندی از آن منشعب میگردد.

رویا ئیکه ذریعه آن با نبیای عظام الهام میگردد. و رویای صادق که صاحب آن خوابی دیده و عیناً در عالم بیداری آنرا ملاحظه نماید و رویای سرموز که ذریعه رموز و اشارات از مستقبل خبر دهد در همین زمره شامل میباشد. باز هم یا بد اعتراف نمود که مسئله رویا و تعلیلات و یافتن اسباب حقیقی آن بهمین قدر خاتمه نیافته و امروز از مهمترین مسائل پسکو لوزی بشمار میرود. آنها